



# تک‌گویی‌های مُدرن

برای زنان | ویراستهٔ کریس سالت | محسن کاس‌نژاد |

Modern Monologues for Women | Chrys Salt | Mohsen Kassnejad |



نک‌گویی‌های مدرن برای زنان |

ویراستهٔ کریس سالت |

ترجمهٔ محسن کاس نژاد |

ویراستار: سمیه پیربازاری |

نمونه خوان: فریال رشیدی |

مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان |

مدیر تولید: مصطفی شریفی |

چاپ اول | ۱۳۹۸ تهران | ۱۰۰۰ نسخه |

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۰۱-۸۹-۰۰ |

Bidgol Publishing co. |  | انتربیگل

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲ ۱۷ ۱۷ |

فروشگاه | تهران | خیابان انقلاب | بین ۱۲ فروردین و فخررازی | پلاک ۱۲۷۴ |

تلفن فروشگاه: ۶۶ ۹۶ ۳۶ ۱۷ ، ۶۶ ۴۵ ۳۵ ۴۶ |

[bidgolpublishing.com](http://bidgolpublishing.com) |

همهٔ حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. |

هرگونه اجزایی از این نک‌گویی‌ها منوط به اجازهٔ رسمی از مترجم یا ناشر است.\* |

\* یادداشتی در مورد حقوق مادی و معنوی این اثر:

اجرای نمایشنامه‌های چاپ‌شده، بدون کسب اجازه از مترجم و ناشر، به کاری معمول در تئاتر ایران بدل شده است؛ این کار بیشتر اوقات با تغییر جزئی در ترجمه و دست‌بردن در آن صورت می‌گیرد و هدف و نتیجهٔ آن کنمان حقوق معنوی و مادی صاحبان اثر، و توهین به مخاطبان و نپذیرفتن هیچ‌گونه مسئولیت حرفه‌ای است. برای مترجمان بسیار پیش می‌آید که بدون چشم‌داشت مادی اجازهٔ اجرای اثر را بدهند، به خصوص برای همراهی با اجراهای شهرستان‌ها و دانشجویان، اما بی‌شک همهٔ آنان خواستار رعایت حقوق معنوی خود (ذکر نام مترجم) در هر اجزایی هستند.

بنابراین، نشر بی‌دگل استفادهٔ بدون اجازه از ترجمه‌های نمایشی‌اش را، اعم از اجراهای رسمی کوچک یا بزرگ، به‌ویژه در تئاتر تهران و جشنواره‌ها، اقدامی غیرقانونی قلمداد می‌کند و از طریق مراجع مربوط موضوع را به‌درد پیگیری خواهد کرد.

## مجموعه نمایشنامه های بیدگل

مجموعه نمایشنامه های بیدگل، مجموعه ای منحصر به فرد از نمایشنامه هایی است که تا به حال به فارسی ترجمه نشده اند، و یا ترجمه مجددی از نمایشنامه هایی خواهد بود که از هر جهت لزوم ترجمه مجدد آنها حس می گردد. این مجموعه تا حد امکان می کوشد تا تأکید خود را به جای ادبیات متن نمایشی، بر ویژگی اجرایی آن بگذارد و بدین ترتیب به نیازهای اجرایی متن نمایشی پاسخ گوید.

معرفی جهان های متفاوت نمایشی، از اهداف اصلی این مجموعه خواهد بود؛ جهان هایی که تا به حال برای خوانندگان فارسی ناگشوده مانده اند یا سیاست های فرهنگی خاص، مانع از گشوده شدن آنها شده است. این مجموعه برای اینکه حداکثر آثار نمایشی را پوشش دهد، خود به حوزه های کوچک تر زیر تقسیم شده است: کلاسیک ها، کلاسیک های مدرن، امریکای لاتین، بعد از هزاره، تک پرده ای ها، چشم انداز شرق، نمایشنامه های ایرانی، نمایشنامه های امریکایی، نمایشنامه های اروپایی. برای درک بهتر خواننده از دنیای نویسنده و متن او، هر نمایشنامه با یک مقاله یا نقد همراه خواهد شد.

دبیر مجموعه

علی اکبر علیزاد

کریس سالت<sup>۱</sup>، نویسنده، کارگردان تئاتر و کارگردان هنری گروه نمایشی «صفحه‌های خالی... و شور و شوق»<sup>۲</sup> است. او به کارگردانی‌های پُرهنیه در زمینه تئاتر شهرت دارد و تاکنون با بسیاری از بازیگران بزرگ تئاتر انگلستان همکاری کرده است. از سوی دیگر، تاکنون کتاب‌های بسیاری را در این زمینه به نگارش درآورده که از آن جمله، کتاب کارآمد کردن بازیگری<sup>۳</sup> است که در میان بازیگران هوادارانی پُرشمار دارد. سالت نسخه‌ای مشابه از کتاب پیش رو را با عنوان تک‌گویی‌های مدرن برای مردان<sup>۴</sup> و چهار مجموعه تک‌گویی‌های نمایشی دیگر را نیز تحت عنوان‌های تک‌گویی‌های معاصر برای زنان<sup>۵</sup>، تک‌گویی‌های معاصر برای مردان<sup>۶</sup>، تک‌گویی‌های کلاسیک برای زنان<sup>۷</sup> و تک‌گویی‌های کلاسیک برای مردان<sup>۸</sup> ویراسته است. همچنین، وی تاکنون چند کار مستند و نمایشنامه رادیویی و صحنه‌ای را نیز به نگارش درآورده است. کریس سالت هم‌اینک آموزشیار ثابت مرکز بازیگری لندن<sup>۹</sup> است.

1. Chrys Salt
2. Bare Boards... and a passion
3. *Make Acting Work*
4. *Modern Monologues for Men*
5. *Contemporary Monologues for Women*
6. *Contemporary Monologues for Men*
7. *Classic Monologues for Women*
8. *Classic Monologues for Men*
9. London Actors Center

## | فهرست |

۱۳	مقدمه
۲۱	مادمازل ژولی نوشته آگوست استریندبرگ
۲۵	ریشه‌ها نوشته آرنولد و سکر
۲۹	بهار دیگران نوشته ژان-ژاک برنار
۳۳	اولین نمایشنامه فانی نوشته جورج برنارد شاو
۳۹	قلعه و پرستاین نوشته فرانک و دیکینت
۴۳	بافندگان نوشته گرهارت هاوپتمان
۴۷	آشفته‌گی‌ها نوشته آلن ایکپورن
۵۱	متأسفیم که به زحمت افتادید نوشته نوئل کاوارد
۶۱	زن خوب ایالت سجویان نوشته برتولت برشت
۶۵	کامبل نوشته پیم جمس
۶۹	آوازخوان طاس نوشته اوژن یونسکو
۷۳	شراب در بیابان نوشته آلیس چیلدرس
۷۷	سینما عدن نوشته مارگریت دوراس
۸۳	روز قدیس نوشته جان وایتینگ
۸۹	میهمان ناخوانده نوشته آگاتا کریستی
۹۳	کی دی دافورد صدای کی دی دافورد را می شنود... نوشته دیوید هالیول
۹۷	یک عالمه نوشته دیوید هیر
۱۰۳	بازی با بپر نوشته دوریس لسینگ

۱۰۷	کلفت هانوشته ژان ژنه
۱۱۵	چی بیوشم؟ نوشته هرمائی جینگلد
۱۱۹	اشک های تلخ پترا فون کانت نوشته رینر ورنر فاسبیندر
۱۲۳	مری بارنز نوشته دیوید ادگار
۱۲۹	تمرین اجرا نوشته ژان آنوی
۱۳۵	به کروالین چه بگوئیم؟ نوشته جان مورتمبر
۱۴۱	شب ایگوانا نوشته تنسی ویلیامز
۱۴۷	دون خوان یا عشق به هندسه نوشته ماکس فریش
۱۵۱	زوج رهانوشته داریو فو و فرانکا ریم
۱۵۷	رؤیای امریکایی نوشته ادوارد آلبی
۱۶۳	روزالیند نوشته جی. ام. بری
۱۶۹	اگوس نوشته پیتز شفر
۱۷۳	زنی بی اهمیت نوشته آسکار وایلد
۱۷۹	علیامخدره ززیتای ترشیده نوشته فدریکو گارسیا لورکا
۱۸۳	فیلمونا مارتورانو نوشته ادواردو د فیلیپو
۱۸۹	شی بیرون از خانه نوشته هرولد پینتر
۱۹۵	باغ وحش شیشه ای نوشته تنسی ویلیامز
۱۹۹	قطعاً! (شاید) نوشته لوییجی پیراندلو
۲۰۳	برای لوکریس نوشته ژان ژیرودو
۲۰۹	اوبو شاه نوشته آلفرد ژاری



## | مقدمه |

این کتاب گزیده‌ای است از تک‌گویی‌هایی که از نمایشنامه‌های معروف نیمهٔ دوم سدهٔ نوزدهم (وِدیگنت<sup>۱</sup>، وایلد<sup>۲</sup>، هاوپتمان<sup>۳</sup>، ژاری<sup>۴</sup>) تا دههٔ ۱۹۷۰ (داریو فو<sup>۵</sup>، ایکبورن<sup>۶</sup>، جِمس<sup>۷</sup>، دوراس<sup>۸</sup>) برگرفته شده، و ایستگاهی است کوتاه برای دیدار با بسیاری از نمایشنامه‌نویسانی که به کمک هم در درازنای این راه پرچم تئاتر مدرن را برافراشته‌اند. من در این کتاب قطعه‌هایی را برگزیده‌ام که مهارت و قوهٔ خیال خواننده را درگیر می‌کنند، و کوشیده‌ام تا به اندازهٔ ممکن قطعه‌های گوناگونی را برحسب شخصیت، سن، سبک و درون‌مایه پیش رو بگذارم.

هدف من همسو کردن شما با قطعه‌های مصاحبه‌است، که نه تنها برای خودتان مناسب‌اند، بلکه به کار مصاحبه‌ای که پیش رو دارید هم می‌آیند؛ بدین ترتیب، می‌توانید ویژگی‌های کیفی خاص خود را به‌عنوان هنرمند به شخصیتی بدهید که برگزیده‌اید.

هنگامی که شما را برای آزمون (عملی) بازیگری فرامی‌خوانند، یا از شما

1. Frank Wedekind
2. Oscar Wilde
3. Gerhart Hauptmann
4. Alfred Jarry
5. Dario Fo
6. Alan Ayckbourn
7. Pam Gems
8. Marguerite Duras

می‌خواهند تا متنی را «با خون‌سردی» بخوانید (برای مثال، می‌گویند: «می‌توانی این جمله را برایم بخوانی: "این خانم یک ورزشکار لیتوانیایی پُرش با نیزه است که علاقه زیادی به آبجو دارد..."»، و یا می‌خواهند متنی را از قطعه‌هایی که قبلاً روی آنها کار کرده‌اید برایشان اجرا کنید. بنابراین، لازم است پیشاپیش چند قطعه نمایشی را نزد خود آماده داشته باشید؛ یا «یک قطعه کلاسیک و یک قطعه معاصر» معمولی برای ورود به مدرسه تئاتر، و یا قطعه‌ای که برای آزمون نمایش، گروه‌های فرعی تئاتر و یا حتی برای یک کارگزار.

به هرروی، کاوش در متن نمایشنامه و یا اجرای یک تک‌گویی – حتی بی‌هیچ هدفی – تجربه‌ای ارزشمند خواهد بود. چنین تمرینی ذهن شما را پویا می‌کند و گوهر خلاقانه درونتان را زنده نگه می‌دارد.

هنگامی که قطعه‌های نمایشی خود را برمی‌گزینید، خوب بیندیشید چه چیزی برای شما و هدف مصاحبه شما مناسب‌تر است. ارائه‌دادن شخصیت فناپذیر آنتیگونه<sup>۱</sup> برای ورود به تئاتر آموزشی (TIE) بی‌فایده است، و یا تک‌گویی ویکتوریا وود<sup>۲</sup> برای آخرین نمایش گری میچل<sup>۳</sup>. در ضمن، اگر چهل و دو سالگی را رد کرده‌اید و شبیه فراری‌های ایست اندرز<sup>۴</sup> هستید، شایسته نیست که شخصیت ژولیت<sup>۵</sup> را ارائه کنید. منطقی باشید. هر که را بهر کاری ساختند. این طور نیست؟

زمانی که کتاب کارآمد کردن بازیگری را می‌نوشتیم، بحث‌های زیادی سر این مسائل با جود کلی<sup>۶</sup>، مدیر هنری پیشین تماشاخانه یورک شایر غربی<sup>۷</sup> داشتیم. در این مجال، می‌خواهم گوشه‌ای از حرف‌های ایشان را برایتان بیاورم؛ شاید بخواهید به هنگام گزینش قطعه موردنیاز خود گفته‌های او را مد نظر قرار دهید.

«خیلی سخت است که به بازیگر بفهمانی دلیل رد شدنش این نیست که

1. Antigone
2. Victoria Wood
3. Gary Mitchell
4. *East Enders*
5. Juliet
6. Jude Kelly
7. West Yorkshire Playhouse



دیگران از او بهترند، یا اینکه بازی اش خوب نیست. بازیگران از این موضوع خیلی ناراحت و رنجیده می‌شوند و اگر نظرشان را دربارهٔ فلان اجرا بیرسی، اغلب می‌گویند: «چنین و چنان مواردی برای آن نقش اشتباه محض بوده است» و همچنین، در مورد زمینه‌های بازیگری بدون «تیپ‌سازی» نیز بحث می‌کنند...»

وظیفهٔ شما در آزمون بازیگری فقط نشان دادن این نیست که برای «این کار خاص» مناسب هستید، بلکه نشان دادن این امر است که شما هنرمندی خوش ذوق، با قوهٔ تحلیلی نیرومند هستید (بنابراین، چنانچه یک بار شما را «قبول» نکنم، بی‌تردید دفعهٔ دیگر که در پی انتخاب بازیگر برای نقشی مشابه باشم، شما را در نظر خواهم گرفت). به یاد داشته باشید، ممکن است گزینش‌کنندگان پوشه‌ای برای انتخاب «بازیگر خوب» در دست نداشته باشند؛ پس چگونه می‌توانند از این موضوع آگاهی یابند؟ شکی نیست که آنها پوشه‌ای برای گزینش شخصیت‌هایی مثل «پیرزن فریبا»، «بلوند جذاب» یا «کارکشتهٔ سخت‌گیر» را مد نظر دارند و اگر تحت تأثیر بازی شما قرار بگیرند، در آن فهرست جای خواهید گرفت.

پاره‌ای از نقش‌ها مثل زیرشلواری گرمکن به شما می‌چسبند. راحت و جمع‌وجورند. به خود شما تعلق دارند. چیزی در درون شما با روح آن نقش منطبق است؛ زبان گفتار و روش بیان احساسات او، طبقهٔ اجتماعی اش، برنامهٔ کاری اش، و حالت‌های عاطفی اش. انگار همه چیز درست سر جای خودش قرار گرفته است. متن نوشته‌ها بر زبان شما جاری می‌شود. بدن شما کاملاً برای اداکردن این متن مناسب است. باید دنبال چنین قطعه‌هایی باشید. شاید لازم باشد برای مدتی متنی را تمرین کنید تا اطمینان یابید که کاملاً برایتان مناسب است.

قطعه‌های آماده شده برای آزمون و مصاحبه می‌توانند اندکی توسط خود بازیگر تغییر کنند. گاهی نیاز نیست کل نمایشنامه را بخوانید (دگراندیشی، آه، دگراندیشی). با درک موضوع اصلی می‌توانید روایت خودتان را اجرا کنید.

به‌تازگی بخشی از نمایشنامه قدیمی ذرت سبز است<sup>۱</sup> اثر املین ویلیامز را کار کردم (که در انجمن معدنچیان ولش<sup>۲</sup> به اجرا درآمد). متن اصلی با کمی بداهه‌سازی و جایگزین کردن «داستان پس‌زمینه»، با اجرای بازیگری ایرلندی که شباهتی به تروریست‌های IRA داشت، خوب از کار درآمد (باید ببخشی املین!).

در بیشتر موارد، بازخوانی نمایشنامه «ضرورت» حیاتی دارد و نه تنها یک بار، که می‌باید دو یا چندبار خوانده شود. داستان ناموثقی هم در این باره وجود دارد: گفته می‌شود که یک بار بازیگری برای خواندن کتاب داستان شب<sup>۳</sup> به استودیوی رادیو رفته بود. او پیش‌تر کتاب را نخوانده بود و هیچ‌گونه اِشراقی به داستان نداشت، اما گمان می‌کرد از پیشش برآید. شروع به خواندن کرد، اما هنوز چیزی از فصل یک کتاب نگذشته بود که به این جمله رسید: «استیون<sup>۴</sup> با لکنت زبان همیشگی‌اش گفت: ...». بله، او تکالیف خانهاش را انجام نداده بود، ولی شما همیشه خودتان را آماده نگه دارید.

«چند دقیقه» زمان بسیار کوتاهی است تا خودتان را برای اجرا «جمع‌وجور» کنید؛ برای این مقصود در اینجا چند رهنمود برایتان می‌آورم، به این امید که به کارتان بیاید. این رهنمودها را به هنگام تمرین قطعه‌های نمایشی به یاد داشته باشید:

بکوشید تا جایی که می‌توانید درباره نقش موردنظرتان کندوکاو کنید و آن را دریابید. به دستور صحنه‌های نویسنده برای نمایش خوب دقت کنید. بدین ترتیب، به سرنخ‌های ارزنده‌ای دست خواهید یافت. ببینید دیگران درباره آن نقش چه نظری دارند؟ چه اتفاق‌هایی برایش افتاده است؟ تحت تأثیر چه چیزهایی است؟ خواسته‌اش چیست؟ اهل کجاست؟ حالا کجاست؟ در کلیسا؟ پارک؟ سالن طراحی؟ قطب شمال؟ سونا؟ با چه کسی حرف می‌زند؟ چه رابطه‌ای با همدیگر دارند؟ اکنون چرا این حرف را می‌زند؟

1. *The Corn is Green*
2. Emlyn Williams
3. Welsh
4. *A Book at Bedtime*
5. Stephen

سبک کار چیست؟ مربوط به چه دوره‌ای است؟ چه کاره است؟ چه لباسی پوشیده است؟ لباس زیر؟ کفش پاشنه‌سوزنی؟ همه این چیزها باهم فرق دارند! فرض کنید الان سال ۱۹۰۲ باشد. آیا خانم‌ها در آن زمان پاهایشان را روی هم می‌انداختند؟ این‌طور بازی کردن خیلی سخت است! بکوشید تا موقعیت را بازی کنید. مفهوم را بازی کنید. متن نمایشنامه مثل تزیین خامه روی کیک است. وقتی که می‌گوییم: «تو چشم‌های آبی قشنگی داری»، آیا با ستایش این ویژگی جسمانی تصویری برساخته‌ام، یا منظورم این است که دوستت دارم؟ جمله من به جز این چیزها چه معناهای دیگری می‌تواند داشته باشد؟ بکوشید هربار معنای درونی متفاوتی را به کار بندید. با این کار، خودتان متوجه می‌شوید که مقصودم چیست.

[به‌هنگام تمرین قطعه نمایشی] هرگز در آینه به خودتان نگاه نکنید و یا به صدای ضبط‌شده خود گوش ندهید. با این کار ناچار خواهید شد تا آن ژست‌های جادویی و آن آهنگ پُرمعنا را بازتولید کنید، و قطعه نمایشی‌تان ساختگی و تکراری می‌شود (فرم محض، بدون محتوا)، مگر آنکه هربار از نو با نقش موردنظر خود دست‌وپنجه نرم کنید.

به‌طور پیوسته قطعه‌های نمایشی خود را تمرین کنید، به‌گونه‌ای که اگر ناگهان در وسط تمرین تلفن زنگ زد، دستپاچه نشوید.

هرگز اجازه ندهید ضعف اعصاب بر شما چیره شود. بدانید که ترس دشمن سرسخت شماست و می‌تواند تمامی کار زیبایی را که در خلوت به انجام رسانده‌اید تباه کند. ازدست دادن این کار به معنی ازدست دادن پایتان نیست. آزمون بازیگری را به پرسپکتیو ببرید. به یاد داشته باشید که اگر من بخواهم با شما دیداری داشته باشم، همیشه دلم می‌خواهد شما را آماده اجرا و کارآموده ببینم. بدین ترتیب، گزینش بازیگر برایم بسیار آرامش‌بخش خواهد بود. پس در حق من لطف کنید و کمی به خودتان فرصت بدهید. پیش از هر کار، کمی تمرکز

کنید. برای چند لحظه چشمانتان را ببندید. خوشحال می‌شوم اگر برای دیدن کار خوب شما اندکی صبر کنم. نفس عمیق بکشید. با نقش‌تان دست‌وپنجه نرم کنید. هنگامی که برای مصاحبه می‌آیید این فکر را که در حال مصاحبه هستید از سر بیرون کنید. اینجا استودیوی تلویزیون نیست که قرار باشد پیش چشم‌های زیادی خودنمایی کنید. شما در فرانسه قرن نوزدهم هستید! و یا در حال ملاقات با فرزندی که بیست سال پیش از دست داده‌اید. به اینجا نیامده‌اید که هوشتان را نشان دهید. اصلاً «نشان نمی‌دهید»، بلکه آن نقش «هستید». به اینجا می‌آیید تا دو دقیقه از زندگی نقش موردنظرتان را به دفتر کار من بیاورید. زمین زیر پای شما همان زمینی است که او بر آن قدم برمی‌دارد. اینک به درون پوست او خزیده‌اید و به جای او زندگی می‌کنید. در واقع، به او تبدیل شده و دگرذیسی یافته‌اید.

لباسی بپوشید که در آن احساس راحتی کنید. کفش‌های تنگ مدل جدید که انگشتان پارامی‌گزند حواس شما را پرت می‌کنند. لباس مناسب بپوشید. احمقانه است که یک مشاور حقوقی دکلمه<sup>۱</sup> بپوشد و یا لیدی<sup>۲</sup> آن کفش پاشنه‌سوزنی پایش کرده باشد.

موهایتان را از روی صورتتان کنار بزنید. من باید چشم‌هایتان را ببینم. به راستی که چشم‌ها آینه تمام‌نمای روح انسان‌اند. هرطوری فکر کنید، در چشمانتان بازتاب می‌یابد. برای من مهم نیست شما چقدر خوب ادای غرق‌شدن در یک خمره حریبه را درمی‌آورید؛ اگر رنگ‌وبوی واقعی بودن نداشته باشند، برایم جذابتی نخواهد داشت.

بنابراین، همه چیز به خودتان بستگی دارد. پیشنهادهای مرا به حساب «حکم قطعی» نگذارید. من فقط کوشیده‌ام چند رهنمود ساده و یا چند سرخ پنهان در زبان و یا نحو را در اینجا بیاورم. هیچ یک از این رهنمودها

۱. décolletage: سینه‌باز. – همه پانویس‌ها از مترجم است.

2. Lady Anne

سرنوشت‌ساز نیستند - چطور می‌توانند باشند؟ - ولی امیدوارم دست‌کم بتوانند شما را در پژوهش‌های شخصی‌تان یاری دهند.

در این کتاب، تک‌گویی‌ها به ترتیب سنی قرار گرفته‌اند؛ از کم‌سن‌وسال‌ترین شخصیت‌ها آغاز شده و با سال‌خورده‌ترینشان پایان می‌پذیرد. امیدوارم این آرایش بتواند شما را در گزینش مناسب‌ترین قطعه‌ها یاری کند. البته گاهی سن‌وسال برخی شخصیت‌ها انعطاف‌پذیر بوده و می‌توان تک‌گویی آنها را برای هر سنی به کار گرفت. از همین رو، چندان هم سخت‌گیری نکرده‌ام. در طول کتاب، هر جا لازم بوده است، آرایش و طراحی صحنه‌ها را آورده‌ام، و در چند مورد نیز (که در جای خود اشاره کرده‌ام) آنها را با توجه به متن تغییر داده‌ام تا بافتار منسجم‌تری پیدا کند. امیدوارم به کارتان بیاید.

نیروی آفرینشگر به همراهمان. موفق باشید.

